

بودیم کار نیمه کاره متوقف شد. در بخش شوخی با بازیگران و آدم‌های مشهور باید از قبل با یک شرکت سینمایی معتبر هماهنگ می‌کردم و موقعی که مثلا جهانگیر کوثری برای دعوت از سوژه تماس می‌گرفت، سوژه شک نمی‌کرد و اصلا حدس نمی‌زد که دوربین مخفی کار می‌کنیم و کوثری مطرح می‌کرد که به خاطر تشکر به آنها کت و شلوار می‌دهد و باید به فروشگاه برای انتخاب برود و این بیس کشاندن سوژه به محل مورد نظر بود.

در جشنواره کودک پنج سال قبل با فیلم «بازیمو» حضور موفق داشتید و جوایزی به دست آوردید اما چون همزمان با کرونا بود برای فیلم فرصت اکران درست و خوبی به دست نیامد؟

ساخت این فیلم را میثم معراجی به من پیشنهاد داد و با معراجی سال‌های قبل تجربه ساخت دوربین مخفی داشتیم و می‌دانست که من چه توانایی‌هایی به خصوص در حوزه تیزر سازی دارم....

آیا آلان هم تیزر سازی انجام می‌دهید؟

بله، هنوز هم می‌سازم.

آیا در آمد تیزر سازی بهتر از برنامه سازی است؟

بد نیست. البته اگر تعدادش زیاد باشد در مجموع رقم دستمزدش بالا است.

معمولا در چند روز یک تیزر را می‌سازید؟

در میانگین یک هفته‌ای می‌سازم. تا متن آماده شود و بازیگر متن را بخواند و در پلاتو دکوپا طراحی شود و اگر در پلاتو نبود لوکیشن انتخاب شود و به طور میانگین این پروسه یک هفته طول می‌کشد.

این روزها حضور بازیگران ستاره مثل رادان و مهران فرو ساینرین در تیزرها پر رنگ شده است؟

بله، حضور ستاره‌ها در تیزرها جلب توجه کننده است.

برگردیم به ساخت «بازیمو»؟

معراجی گفت قصه‌ای دارد و به من داد تا بخوانم و من هم پیشنهاداتی دادم که اگر اینجوری شود کار بهتر خواهد شد. در حدود سه ماهی با نویسنده فیلمنامه که اتفاقا از جشنواره کودک هم جایزه برده بود نشستیم و کار را رتوش و بازنویسی کردیم تا فیلمنامه کامل و خوب شد.

ایده اصلی فیلم هم جذاب بود؟

ایده برای میثم معراجی بود و اعتقاد داشت در این دوره و زمانه همه بچه‌ها در گیر فضای مجازی هستند.

کارگاه فیلم و دستیارش من را یاد دو شخصیت سریال «چاق و لاغر» شما انداخت. آیا طراحی این دو شخصیت تحت تاثیر این دو کاراکتر و حتی شاید یک جوهرهایی پیتر سلرز بود؟

آره، من به طنز و کار پیتر سلرز علاقه خاصی دارم و حتی یک جور این دو کارگاه فیلم یادآور چیچو و فرانکو هم بودند. اصلا دوبلورهای «چاق و لاغر» مبتنی بر دوبله ایرانی چیچو و فرانکو در کار حرف زدند.

با توجه به این که فیلم «بازیمو» در جشنواره کودک درخشش داشت اگر الان آن را می‌ساختید چگونه می‌شد؟

حتما اگر الان فیلم را می‌ساختم جور دیگری کار می‌کردم.

اما فیلم جذابی بود؟

من در ساخت فیلم به بیش از ۵۰ درصد از خواسته‌هایم نرسیدم و خیلی ایده‌ها را نشد کار کنم.

در بخش جلوه‌های ویژه به خواسته‌هایتان نرسیدید؟

بله، در زمینه جلوه‌های ویژه در ایران ضعف‌هایی داشتیم و داریم.



یکی از قسمت‌های جذاب این بخش حضور مهران غفوریان بود؟

بله، شوخی با غفوریان لایت و ملایم بود و فردی می‌آید جلوی غفوریان و در نبود فروشنده چند کفش داخل کیفش قرار می‌دهد و ما عکس‌العمل غفوریان را نسبت به این کار می‌دیدیم.

آیا پیش آمد که بعد از ضبط بازیگری بگوئید که قسمت من را حذف کنید؟

نه، حواسم بود که چنین شرایطی پیش نیاید. اغلب دوست داشتند و استقبال می‌کردند. من حد خود را نگه می‌داشتم و خط قرمزها را رعایت می‌کردم.

دوربین مخفی کدام بازیگر برایتان جذابیت بیشتری داشت؟

همه خوب بودند. اما قسمت زنده یاد مهرداد میمانوند را دوست داشتم. آن جا که پولی در مسابقه ۲۰ سالی برنده شد را بخشید و دلیلش تقاضای بازیگر ما بود که به میمانوند گفت قصد ازدواج دارد و به این پول نیاز دارد و میمانوند سخاوتمندانه جواب سوالها را به او گفت و علی‌رغم نیاز مالی که خودش داشت از جایزه صرف نظر کرد.

در بخشی از شوخی با ستارگان رفتید به جشنواره کودک در اصفهان که خیلی از بازیگران در لابی هتل کوثر حضور داشتند و سبک و شیوه متفاوتی را مورد استفاده قرار دادید؟

تجربه خوبی بود. اما یکی از دوستان بازیگر چالش‌هایی برای کار به وجود آورد. یکی از سوژه‌های این بخش حضور بازیگری به نام سارا امیری بود که جزیی از گروه بود. در یکی از قسمت‌ها جهانگیر الماسی هم آنجا نشسته بود و کسی از او امضا نمی‌گرفت. الماسی چون بازیگر مشهوری بود از این قضیه ناراحت شد و برایش پرسش پیش آمد که این خانم جوان کی هست که اینقدر می‌روند سراغش و از او امضا می‌گیرند و هدف ما هم بروز چنین پرسشی در ذهن سوژه بود. بعدش برای الماسی سو تفاهم پیش آمد که من قصد دارم او را تهیج کنم که او هم برود و از این بازیگر شماره بگیرد و با ناراحتی گفت می‌خواهی من را ضایع کنی و کار به ناراحتی و دلخوری انجامید.

آیا شما از قبل با

مدیران هتل و مسئولین

جشنواره برای

فیلمبرداری دوربین

مخفی هماهنگی

کرده بودید؟

بله، من و جهانگیر

کوثری هر دوی‌مان

حرف‌های بودیم و کار را

توضیح داده بودیم. خلاصه

با واکنش بد الماسی کل

پروژه و غافلگیری که می‌خواستیم لورفت

و مجبور شدیم با توجه به هزینه و

برنامهریزی‌هایی که انجام داده

عموما در دوربین مخفی‌های آنطرف آبی یک اتفاق برای چند آدم رخ می‌دهد و کار من تقریبا ذره بین جامعه بود و با نگاه روانشناسانه کار می‌کردم و هدفم هم فقط خنداندن مخاطب نبود و بحث آموزش‌های اجتماعی را به طرز درستی مطرح می‌کردیم تا به فرهنگ سازی هم کمک کند. ساخت این برنامه حداقل برای خودم این حسن را داشت که هیچگاه رانندگی خلافی نداشته باشم و سایر مناسبات اجتماعی را نیز رعایت کنم.

برایتان شهرتی که ساخت این برنامه به ارمغان آورد چه ویژگی‌هایی داشت؟

شهرتی بود که ناخواسته به وجود آمد و بعد از شناخته شدنم در حین ساخت برنامه‌ها می‌رفتم توی اتاقک و توی گوشه‌ی به بازیگر می‌گفتم فلان کار را انجام بده و البته ری‌اکشنی که به بازیگر می‌گفتم باید خیلی سریع انجام می‌شد و من سریع واکنش سوژه را آنالیز و به بازیگر حرکت بعدی‌اش را گوشزد می‌کردم و این کار سخت‌تری بود تا زمانی که خودم به عنوان بازیگر با سوژه مرتبط بودم. خیلی از دوستانم می‌گفتند من مرد بداهه هستم و خیلی سریع می‌توانم به اتفاق رخ داده در صحنه واکنش نشان بدهم. کم‌دی به لحظه وابسته است و ممکن است اگر واکنش درست نباشد کم‌دی در نیاید و زمان و وقت خودش را دارد و اگر زمان از دست برود دیدن موقعیت برای مخاطب لطفی ندارد.

طنزی که شما ارائه می‌کردید ملایم و باندازه بود. چگونه مقدارش را طراحی می‌کردید؟

برای دوربین مخفی قانون‌هایی طراحی کرده بودم و هیچگاه از منظر تمسخر سوژه جلو نرفتم که مثلا آقا شما صد میلیون برده‌ای و بعدش بگویم شوخی کردم. این نوع خوشحال و ناراحت کردن درست و اخلاقی نیست. اما عکس این فرمول جواب می‌داد و درست بود و می‌شد سوژه را ناراحت و در پایان خوشحالش کرد.

از قانون‌های دیگر که برای این برنامه طراحی کرده بودید بگوئید؟

یکی دیگر از این قانون‌ها این بود که جلوی بانک‌ها و بیمارستان‌ها شوخی نمی‌کردم و زمانی که آدم‌ها گرسنه بودند هم این کار را انجام نمی‌دادم. یک روز در ماه رمضان گفتند قهرایی دوربین مخفی بساز و من گفتم این بدترین زمان برای دوربین مخفی ساختن است. آدم گرسنه و روزه‌دار ممکن است ناراحت شود و واکنش بدی بروز بدهد. بیشتر تلاش می‌کردم بروم پارک‌ها و سوژه‌هایم را در آن مکان‌ها انتخاب کنم، زیرا مردم برای تفریح آمده‌اند و تمرکز و ظرفیت این کار را دارند. شما برو جلوی بانک و با کسی که چکش برگشت خورده شوخی کن ناراحت می‌شود و ممکن است واکنش بدی بروز بدهد.

آیا در حین ضبط دوربین مخفی دچار درگیری شدید؟

یکبار فقط یک میوه فروش عصبانی شد و واکنش نشان داد و با سنگ ترازش قصد زدن بچه‌های گروه را داشت نمی‌دانست دوربین مخفی چی است و دست آخر با توضیح ما قائله فیصله پیدا کرد.

در آن سال‌ها شما هر از گاهی به بازیگری پرداختید. بازیگری چقدر برایتان مهم بود؟

بازیگری زیاد برایم جدی نبود و خودم را بیشتر نویسنده و کارگردان می‌دانم. البته الان بدم نمی‌آید، اگر پیشنهاد خوبی بشود بازی می‌کنم.

به چه نقش‌هایی برای بازی کردن علاقه دارید؟

بیشتر به نقش‌های کم‌دی علاقه دارم.

به کار کدامیک از کم‌دین‌ها علاقه دارید؟

وودی آلن و بن هیل را بیشتر دوست دارم.

کار کدام از کم‌دین‌های داخلی را قبول دارید؟

بیشتر کم‌دین‌های ما کارشان هجو و هزل است. کم‌دی آنی دارد و کمتر این نوع کارها در سینما و تلویزیون ما تولید می‌شود.

بعد از دوربین مخفی سراغ برنامه شوخی با ستارگان بازیگری و ورزش رفتید. این رویکرد چگونه به وجود آمد؟

در دوربین مخفی‌های این نوعی معمولا به سوژه گیر نمی‌دهم و به بازیگر خودم می‌پرداختم. در یکی از قسمت‌های شوخی با ستارگان به کت و شلوار فروشی می‌رفتیم و سوژه در قالب دزد به صاحب مغازه می‌گفت زود باش پول‌های صندوق را بده و سوژه‌های بازیگری که یکی‌شان رضا توکلی بود ترسید و حالش بد شد و من ترسیدم و دیگر چنین شیوه‌ای را به کار نبردم.